اخبار

فرمانده فراجا:

پلیس مقتدر برای مردم قابل احترام است

فرمانده فراجا ۳ بعد تجهیزات، نیروی انسانی و ساختار را لازمه حرکت به سمت پلیس هوشمند دانست.
احمدرضا رادان فرمانده فراجا روز چهارشنبه ۱۰ اسفند در حاشیه مراسمی که در مرکز آموزشی شهید چمران کرج برگزارشد، با بیان این مطلب گفت: نیروهای پلیس باید با فناوری روز آشنا باشند و آموزش‌های لازم را ببینند تا در فرایند مأموریت‌ها مسلط‌تر عمل کنند.
در مراسم امروز دانش‌آموختگی فراگیران درجه‌داری آموزشگاه‌های علمی، تخصصی فراجا، چهار هزار نفر در ۱۷ رسته گوناگون فعالیت خود را آغاز کردند. با افتتاح قرارگاه هوشمند و فناور امیدواریم روزهای بهتری برای پلیس تراز انقلاب اسلامی داشته باشیم.
وی در ادامه افزود: مبارزه با سارقان و مالخرها شروع شده و این اقدامات در ایام نوروز و در ادامه مأموریت‌های پلیس با جدیت بیشتری پیگیری می‌شود. تمام امکانات برای این مهم بسیج شده و نوروز امسال بهتر از گذشته در خدمت مردم هستیم.
از تمام ظرفیت‌ها استفاده می‌شود تا سفرهای مردم به‌خوبی انجام شود و با پنج درصد متخلف، به‌خاطر آرامش ۹۵ درصدی جامعه برخورد می‌کنیم.
وی با تأکید بر فرمایشات رهبر معظم انقلاب مبنی بر حفظ و بالا بردن شأن پلیس گفت: بدیهی است با اجرای درست و بهنگام مأموریت‌ها و تلاش برای حفظ امنیت مردم این شأن حفظ می‌شود. پلیس برای آرامش مردم در صحنه است تا با تمام کسانی که امنیت مردم را به مخاطره می‌اندازند، مقابله کند. وی یادآور شد: کمین‌هایی برای سست شدن اراده پلیس است که در این بزنگاه‌ها باید راه اقتدا به شهدا را انتخاب کنیم چون رسالت نیروهای پلیس این است که جان برکف باشند. وی تأکید کرد: وظیفه پلیس مشخص است و باید بداند در کجا بخندد و در کجا مقتدر باشد چرا که این پلیس برای مردم قابل احترام است. گفتنی است، در مراسم دانش‌آموختگی فراگیران درجه‌داری آموزشگاه‌های علمی و تخصصی فراجا در مرکز شهید چمران کرج فراگیران برنامه‌های مهارت‌های کاربردی خود را در زمینه‌های مختلف به نمایش گذاشتند.

مشتری عصبانی در بانک را قفل کرد

مرد میانسال وقتی با جواب منفی رئیس بانک در قبال درخواست وام رو به رو شد در اقدامی عجیب در بانک را قفل و کارمندان را حبس کرد. سرهنگ رضا شمسایی فرمانده انتظامی آستانه اشرفیه درباره این حادثه گفت: روز سه شنبه مردی ۵۷ساله به بانکی در آستانه اشرفیه رفت. وی که پس از چند بار مراجعه به این بانک و طی کردن مراحل اداری با جواب منفی برای دریافت وام مواجه شده بود ، درِ بانک را با قفلی که با خود آورده بود، قفل کرده و کارمندان بانک را محبوس کرد. این مرد ۵۷ساله در تشریح این رفتار خود گفت: بانکی که نمی‌تواند وام بدهد، بهتر است بسته باشد. بلافاصله پس از تماس مسئولان بانک، مأموران انتظامی و آتش نشانی در محل حاضر شدند و پس از ۱۵ دقیقه قفل را شکستند. فرمانده انتظامی آستانه اشرفیه افزود: این مرد ۵۷ساله با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شد.

مرگ مشکوک مرد برزیلی در هتل

همزمان با مرگ مشکوک مرد برزیلی در یکی از هتل های پایتخت بازپرس جنایی دستور تحقیقات در این پرونده را صادر کرد.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۰ شب ۹ اسفند، مأموران کلانتری ۱۴۸ انقلاب در تماس با بازپرس وحید ناصری از مرگ مشکوک مردی خارجی در یکی از هتل‌ها خبر دادند. با اعلام این خبر به دستور بازپرس کشیک قتل پایتخت آغاز شد و در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد مرد برزیلی به همراه همسرش و یک گروه ۲۸ نفره از برزیل به ایران آمده و در هتلی اقامت داشتند اما مرد ۷۷ ساله بعد از صرف شام به اتاقش رفت تا استراحت کند. ساعاتی بعد همسرش متوجه شد که او فوت کرده است.
با این حال به دستور بازپرس جنایی، جسد مرد برزیلی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل و همچنین دستور تحقیقات از همسر متوفی و بازبینی دوربین‌های مداربسته هتل صادر شد.

حوادث جهان

در یونان رخ داد

برخورد ۲ قطار با ۳۶ کشته

برخورد مهیب دو قطار مسافری و باری در یونان ۳۶ کشته و ۸۵ زخمی برجا گذاشت. به گزارش نیویورک تایمز، شامگاه سه شنبه به وقت محلی در نزدیکی شهر «لاریسا» یونان یک قطار با ۳۵۰ مسافر به یک قطار باری برخورد کرد و ناگهان آتش و دود به هوا بلند شد. دو قطار در یک خط حرکت می‌کردند. این برخورد باعث ایجاد حریق در برخی واگن‌ها شد و تعدادی از مسافران به شدت دچار سوختگی شدند. به گزارش شبکه خبری بی بی سی، سازمان آتش نشانی محلی نیز گفت که ۱۷ خودروی آتش‌نشانی برای اطفای حریق به محل رفتند و به مسافران کمک کردند تا از واگن های آتش گرفته خارج شوند. شدت آتش سوزی به حدی بوده که چند واگن به خاکستر تبدیل شده‌اند.
مقامات یونان در پی برخورد مرگبار دو قطار در این کشور سه روز عزای عمومی اعلام کردند. در این حادثه یک قطار مسافربری با سرعت زیاد به یک قطار باری برخورد کرده است. با این حال هنوز علت برخورد مشخص نیست.

سرقت‌های سریالی با پابند الکترونیکی

خبر روز

گروه حوادث
editorial@irannewspaper.ir

سارقی که با پابند الکترونیکی از زندان آزاد شده بود، برای پرداخت رد مال و جلب رضایت شاکی‌ها، دوباره شروع به سرقت کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، به‌دنبال شکایت‌های سریالی گوشی‌قاپی در جنوب شرق تهران، تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره آگاهی آغاز شد.
در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد مرد جوانی که صورتش را با ماسک پوشانده بود سوار بر موتورسیکلت شبانه در خیابان‌ها پرسه می زده و با دیدن افرادی که در حال مکالمه با تلفن بودند به سمت آنها رفته و اقدام به قاپیدن گوشی تلفن همراه آنها می کرده است.
کارآگاهان با بررسی محل‌های سرقت دریافتند سارق شبرو در محدوده خاصی سرقت‌هایش را انجام می‌دهد و از آن محدوده خارج نشده است.

> سارق که پابند الکترونیکی داشت برای اینکه نمی توانست از محدوده مشخصی خارج شود سرقت هایش را در همان محدوده خاص انجام می داد

بدین ترتیب گشت‌های پلیس راهی محدوده مورد نظر شده و در گشتزنی‌ها، متوجه فریادهای زن جوانی شدند که از مردم کمک می‌خواست. زن جوان با فریاد از رهگذران می‌خواست که سارق گوشی تلفنش را دستگیر کنند. با شنیدن صدای کمک‌خواهی‌های زن جوان، مأموران راهی محل شده و به تعقیب سارق موتورسوار پرداختند. تعقیب و گریز شروع شد و در نهایت چند خیابان آن طرف‌تر، سارق موتورسوار تعادلش را از دست داد و داخل جوی پر از آبی افتاد. مأموران موفق به دستگیری سارق شده و در بازرسی بدنی از او دو گوشی سرقتی که یکی از آنها متعلق به زن جوان بود، پیدا کردند. متهم در تحقیقات اولیه به سرقت‌های سریالی گوشی تلفن همراه اعتراف کرد و گفت: از بچگی، خیلی ناسازگار بودم و مدام با دوستانم دعوا می‌کردم.
همین ناسازگاری باعث شد که مدرسه را ترک کنم. بعد از آن هم هر کجا مشغول به کار می‌شدم، خیلی زود با صاحبکارم دعوا می‌کردم و بیرون می‌آمدم.
در همین گیر و دار بودم که با دوستان ناباب آشنا شدم و خلاف را شروع کردم. چندین بار به کانون اصلاح و تربیت افتادم و خانواده‌ام هر بار با گذاشتن وثیقه و گرفتن رضایت، مرا آزاد کردند.
او ادامه داد: آخرین باری که به زندان افتادم باید رد مال ۱۰۰ میلیون تومانی پرداخت می‌کردم. پدر و مادرم توانستند از چند شاکی رضایت بگیرند ولی تعداد شاکی‌ها زیاد بود. به همین دلیل با قرار وثیقه و پابند الکترونیکی آزاد شدم تا بتوانم مبلغی را که برای رد مال در نظر گرفته بودند پرداخت کنم. تنها راهی که به ذهنم می‌رسید این بود که با سرقت گوشی بتوانم رد مالهایم را پرداخت کنم.
به همین دلیل شروع به سرقت کردم، اما به خاطر پابند فقط می‌توانستم در محدوده مشخصی رفت و آمد کنم.
مرد جوان گفت: شب‌ها در خیابان پرسه می‌زدم و با دیدن افرادی که گوشی تلفن در دستشان بود یا در حال مکالمه بودند گوشی را می‌قاپیدم. شبی که دستگیر شدم هفت گوشی سرقت کردم و زمانی که داخل جوی آب افتادم، پنج گوشی داخل آب افتاد و دو گوشی دیگر هم از من کشف شد.
با اعتراف متهم به دستور بازپرس محمد ولدی بیرانوند، از شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت متهم در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

ماجرای نوزادی که دوبار فروخته شد

زوج جوان که نوزادشان را از سر ناچاری به مبلغ پایینی فروخته بودند، وقتی پشیمان شده و می‌خواستند دخترک را پس بگیرند، متوجه شدند خریدار نوزاد وی را به خانواده دیگری در ازای یک صد میلیون تومان فروخته است.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل زن و مرد جوانی به پلیس مراجعه کرده و از فروش فرزندشان خبر دادند. زن جوان گفت: به‌خاطر مشکلات مالی و وضعیت شغلی همسرم، زمانی که دخترم به دنیا آمد تصمیم گرفتیم او را بفروشیم.
در فضای مجازی آگهی کردیم و چند نفری هم تماس گرفتند، اما درنهایت زوج جوانی که ساکن استان البرز بودند، مدعی شدند که فرزندمان را می‌خواهند. بعد از چندین تماس، در نهایت با آنها قرار گذاشتیم، اما مبلغی را که برای فروش نوزادم در نظر گرفته بودیم را به ما پرداخت نکردند و مبلغ پرداختی شان خیلی پایین‌تر بود. با این حال چون شرایط ما خوب نبود، با همان مبلغ کم موافقت کردیم و بچه‌ام را به آنها دادم. اما پشیمان شدم و می‌خواستم بچه‌ام را پس بگیرم، با این حال هیچ رد و نشانی از خانواده البرزی ندارم و می‌خواهم آنها را پیدا کنید.
با شکایت زوج جوان، پرونده‌ای در شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران تشکیل و تحقیقات برای یافتن ردی از نوزاد آغاز شد. در بررسی‌های صورت گرفته کارآگاهان پلیس موفق به شناسایی آنها شدند. وقتی زوج جوان مقابل پلیس قرار گرفتند مدعی شدند نوزاد را به زوج دیگری فروخته اند.
زن جوان گفت: بعد از خرید نوزاد دختر در اینستاگرام صفحه‌ای ایجاد کرده و آگهی فروش نوزاد که ستایش نام داشت را منتشر کردیم. یک خانم دکتر هم خواهان خرید بچه شد و ما او را فروختیم.
به‌دنبال اطلاعاتی که آنها در اختیار تیم تحقیق قرار دادند، کارآگاهان موفق به شناسایی خانم دکتر شدند. اما زن جوان مدعی شد که بچه را برای خواهرش خریداری کرده است.
با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار تیم تحقیق قرار داد، مشخص شد که خواهر خانم دکتر در یکی از شهرستان‌های شمال شرقی کشور سکونت دارند. بدین ترتیب زوج جوان به دادسرای امور جنایی پایتخت احضار شدند. در تحقیقات اولیه زوج جوان به خرید نوزاد به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان اعتراف کردند.
پدرخوانده ستایش در تحقیقات گفت: من در یکی از شهرستان‌های شمال شرقی کشور کافی‌نت دارم و وضع مالی‌ام خوب است. اما من و همسرم بچه‌دار نمی‌شدیم به بهزیستی مراجعه کردیم تا بچه‌ای را به فرزندخواندگی بگیریم، اما به ما گفتند امکان پذیرش فرزندخواندگی ندارید. یک روز در اینستاگرام با آگهی فروش نوزاد به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان روبه‌رو شدم و تصمیم گرفتیم که بچه را بخرم.
مرد جوان گفت: با شماره‌ای که داخل صفحه بود تماس گرفتم و زن جوانی تلفنم را پاسخ داد و گفت توانایی بزرگ کردن بچه پنجم را ندارد و شرایط مالی خیلی بدی دارد. من تصور می‌کردم که ستایش فرزند این خانواده باشد و نمی‌دانستم که آنها واسطه هستند و بچه را از شخص دیگری خریداری کرده‌اند.
قرارهایمان را تلفنی گذاشتیم و حتی دوباری هم راهی استان البرز شدیم تا بچه را بگیریم و پول را پرداخت کنیم. اما زن جوان مدعی شد که شوهرش با فروش بچه مخالفت کرده است. تا اینکه زن جوان با ما تماس گرفت و از رضایت شوهرش خبر داد اما به ما گفت که بچه خریدار دیگری هم دارد و اگر او را می خواهیم باید هر چه زودتر خودمان را برسانیم. از آنجایی که ما به شهرمان برگشته بودیم از خواهر همسرم خواستم برای تحویل بچه اقدام کند و پول را هم به حساب زن جوان واریز کردیم. ما ۱۰۰ میلیون به حساب او واریز کردیم.
در این یک سال و نیم خیلی به او وابسته شدیم و زندگی‌مان خیلی خوب و شیرین شده است وقتی ما ستایش را خریدیم بچه مریض بود که او را تحت درمان قرار دادیم و الان خوب شده است. به‌دنبال اظهارات زوج جوان، تحقیقات در این رابطه به دستور بازپرس جنایی پایتخت ادامه دارد.

مرگ هولناک ۲ کودک ۷ ساله

دو حادثه هولناک در استان گیلان منجر به مرگ دو کودک ۷ ساله در شهرهای رودبار و تالش شد. در نخستین حادثه که در شهرستان تالش رخ داد بر اثر آتش سوزی یک خانه، کودک ۷ ساله ای جان باخت.
سرهنگ محمد رستمی، فرمانده انتظامی شهرستان تالش گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر آتش‌سوزی منزلی داخل یکی از محلات شهرستان تالش، بلافاصله مأموران انتظامی به محل حادثه اعزام شدند. با حضور پلیس در محل اعلامی و بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد یک باب منزل مسکونی به علت نامعلومی دچار حریق شده است که پس از ساعتی حریق توسط عوامل امدادی به طور کامل مهار شد.
فرمانده انتظامی شهرستان تالش از جان‌باختن یک کودک ۷ساله به علت شدت سوختگی در این حادثه خبر داد و تصریح کرد: علت آتش‌سوزی و میزان دقیق خسارت وارده توسط کارشناسان در دست بررسی است.
این مقام انتظامی در پایان با اشاره به اینکه جسد این فرد توسط عوامل اورژانس به پزشکی قانونی منتقل شد به شهروندان توصیه کرد با توجه به فصل سرما و استفاده از وسایل گرمایشی، همواره اصول ایمنی را رعایت کنند تا شاهد وقوع اینگونه حوادث ناگوار و غیرقابل جبران نباشیم.

دومین حادثه

در حادثه دیگر که روز گذشته رخ داد مرد شیشه ای در اقدامی جنون آمیز دختر ۷ ساله خود را به قتل رساند.
سرهنگ عیسی روشن قلب فرمانده انتظامی رودبار در رابطه با دستگیری قاتل در رودبار گفت: مرد ۳۵ ساله رودباری که بر اثر مصرف مواد مخدر از حالت عادی خارج شده و دختر بچه ۷ ساله اش را به قتل رسانده بود در کمتر از ۱۰ دقیقه دستگیر شد. پدر کودک با ضربه چاقو به زیر شکم دختر بچه وی را مجروح کرد که کودک پس از انتقال به بیمارستان به دلیل خونریزی شدید جان خود را از دست داد.

با نقض حکم از سوی دیوان عالی کشور

خانم وکیل و همدستانش دوباره محاکمه می شوند

این زن به همراه ۵ مرد در قتل مرد ثروتمندی نقش داشتند

دادگاه کیفری
کامران علمدهی
editorial@irannewspaper.ir

حکم خانم وکیل و سه مرد همدستش که در ماجرای قتل مرد ثروتمند نقش داشتند با رأی قضات دیوان عالی کشور نقض و بار دیگر در دادگاه کیفری محاکمه خواهند شد.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل سال ۹۹ خبر ناپدید شدن مرد جوانی از سوی نامزدش به پلیس اعلام شد وقتی مأموران کلانتری ۱۴۶ حکیمیه به خانه مرد جوان رفتند به محض ورود با جسد او در حالی مواجه شدند که دست‌هایش از پشت بسته شده و شالی دور گردنش گره خورده بود و به نظر می‌رسید که از خانه او سرقت هم شده است.
با اعلام خبر این جنایت به بازپرس جنایی و شروع تحقیقات در بازبینی دوربین‌های مداربسته محدوده خانه مقتول مشخص شد یک زن به بهانه آوردن حلوای نذری به در خانه مقتول رفته و وقتی در باز شده او و سه مرد ناگهان وارد خانه مقتول شده و پس از مدتی هم هراسان از خانه خارج شده و سوار خودروشان محل را ترک کرده‌اند.
در ادامه تیم جنایی دریافتند مقتول از مدتی قبل با مرد جوانی به نام سعید آشنا شده و باهم مشارکت کاری داشته‌اند.
بدین ترتیب به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی پایتخت، سعید بازداشت شد. او ابتدا منکر جنایت بود اما وقتی در مقابل مستندات قرار گرفت لب به اعتراف گشود و گفت قصدش قتل نبوده و فقط از برادرش خواسته بود که با تهدید مقتول طلبش را از او پس بگیرد.
با دستگیری سایر متهمان و صدور کیفرخواست آنها در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.
در ابتدای جلسه دادگاه، مادر مقتول به جایگاه رفت و از قضات درخواست کرد تا متهمان به اشد مجازات محکوم شوند.
در ادامه رضا ۲۷ ساله به عنوان متهم ردیف اول به جایگاه رفت و در دفاع از خودش گفت: من دانشجو هستم و فقط برای کمک به برادرم سعید با او همراه شدم. برادرم چندین میلیارد پول به مرحوم داده بود و مدرکی هم نداشت، بنابراین نمی‌توانست پولش را پس بگیرد، من هم قبول کردم تا با ورود به خانه مقتول، با تهدید طلب برادرم را بگیرم. من تنها کاری که انجام دادم این بود که وقتی دیدم مرد جوان مقاومت و سروصدا می‌کند با شال دهانش را بستم و دو گره کور زدم و بعد هم با شال دیگری دست‌هایش را از پشت بستم و با دوستم کریم از او اثر انگشت گرفتیم. اما پس از دقایقی متوجه شدم که او دیگر مقاومت نمی‌کند و نفس نمی‌کشد.
بعد از اینکه متوجه شدیم فوت کرده احتمال دادیم مدارکی از برادرم داخل لپ‌تاپش باشد به همین خاطر لپ‌تاپ را برداشتم و تلفن همراهش را هم بردم که اگر زنده ماند نتواند با پلیس تماس بگیرد. وقتی از خانه‌اش دور شدیم همه وسایل او را در مسیل ابوذر انداختم.
پس از آن کریم -متهم ردیف دوم- به جایگاه رفت و گفت: من فقط اتهام مشارکت در اخذ سند به عنف را قبول دارم. قبل از ورود به آنجا هم یک سرنگ داروی بی‌هوشی با خودم برده بودم که در همان لحظات اولیه دارو را تزریق کردم. بعد از آن دوستم قاسم دست‌هایش را گرفت و رضا هم با شال دست‌هایش را بست، ما هم شروع کردیم به گرفتن اثر انگشت اما چون سروصدا می‌کرد رضا دهانش را با شال بست تا اینکه متوجه شدیم حالش بد شده. من هرکاری که می‌توانستم برای احیای او انجام دادم اما فوت کرد.
پس از آن قاسم به عنوان متهم ردیف سوم به جایگاه رفت و گفت: من با موتور کار می‌کردم و فقط برای کمک به دوستانم آنجا رفتم و برای این کارم هم ۶ عدد ربع سکه طلا گرفته بودم.
در ادامه حمید به‌عنوان متهم بعدی به جایگاه رفت و اظهار کرد: اتهام من دادن پلاک خودرو به دوستانم بود. با اینکه از پلاک‌ها هیچ استفاده‌ای نشد اما من به خاطر این ماجرا از کاری که داشتم، تعلیق شدم سپس خانم وکیل نیز از خودش دفاع کرد و منکر دخالت در قتل شد.
پس از پایان اظهارات متهمان و وکلای آنها، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و رضا متهم ردیف اول را به اتهام قتل عمد به قصاص و ۱۳ سال حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم کردند.
کریم به اتهام معاونت در قتل به ۲۵ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و قاسم نیز به ۲۵ سال حبس به خاطر سرقت و معاونت در قتل محکوم شد. سعید نیز که با قید وثیقه در زمان دادگاه آزاد بود به ۱۵ سال حبس و ۲ سال تبعید محکوم شد. قضات همچنین تنها متهم زن پرونده را که وکیل بود به ۱۱ سال حبس و ۲۰ ضربه شلاق محکوم کردند.
پس از صدور حکم و اعتراض متهمان، پرونده برای رسیدگی بیشتر به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان پس از بررسی دقیق پرونده، حکم متهمان ردیف اول تا سوم پرونده و همچنین خانم وکیل را نقض کردند و پرونده را برای تحقیقات بیشتر به شعبه بازپرسی و همینطور نظریه دقیق‌تر پزشکی قانونی در خصوص علت تامه مرگ ارجاع دادند تا پس از تکمیل تحقیقات بار دیگر متهمان اصلی پرونده به همراه متهم زن در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کنند. ضمن اینکه احکام صادره برای سایر متهمان تأیید شد.